

از خود، و دیگران، می‌پرسند: «به‌راستی در زیرِ پوستِ جامعه چه می‌گذرد؟»

در پوست
چیست
زیر
به زیرِ پوستم وقتی
فریادِ عقربی از وقت می‌چکد
و وقتِ غاشیه،
تبعید ام
به زخمِ پوست می‌کند؟

و پوست
– در وهمِ خود: «جامع» –
تا زیرِ خویش را
آیا
در خویش می‌بیند
فریادِ وقت
آخر می‌شود.

سکوتِ مار
معنایِ جمع را
در یکه می‌بلعد
و پوست،
این «فراق»،
از وحشتی عجیب
خود وحشتی عجیب می‌شود.